

تأثیر سیاست آمریکا و اروپا در قبال بحران سوریه بر اختلافات فراتلانتیک

سمانه احمد خان بیگی^۱

چکیده: بحران سوریه یکی از مهم‌ترین حوادث تأثیرگذار در نظام بین‌الملل طی سال‌های اخیر بوده است که توجه بسیاری از کشورهای جهان را به این کشور معطوف نموده است. در این بحران، بازیگران مختلفی با اهداف و انگیزه‌های متفاوت به ایفای نقش پرداخته‌اند. از میان این بازیگران، ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا به عنوان دو بازیگر مهم و تأثیرگذار نظام بین‌الملل، واکنش‌ها و مواضع مختلفی را نسبت به این کشور و بحران به‌وجود آمده در آن اتخاذ کرده‌اند. با توجه به رقابتی که میان این دو بازیگر در عرصه جهانی و به‌ویژه در منطقه خاورمیانه وجود دارد و همچنین تبدیل شدن بحران سوریه به یکی از مسائل مهم منطقه و جهان در سال‌های اخیر، اهمیت بررسی مواضع ایالات متحده و اتحادیه اروپا و هر یک از کشورهای اروپایی در قبال این بحران دوچندان می‌شود. مقاله حاضر در پاسخ به این سوال که بحران سوریه چه تأثیری بر اختلافات فراتلانتیکی اتحادیه اروپا و آمریکا داشته است، به بررسی تطبیقی سیاست‌های آمریکا و اروپا در قبال بحران سوریه پیش از مطرح شدن بهانه حمله شیمیایی در این کشور، تحریم‌های اتحادیه اروپا و ایالات متحده علیه سوریه، کمک به شورشیان، توافق واشنگتن و مسکو، قطعنامه شورای امنیت در مورد سوریه و نیز مواضع آن‌ها در قبال برگزاری نشست ژنو ۲ برای حل و فصل بحران می‌پردازد. عدم همراهی پارلمان برخی کشورهای اروپایی، اختلافات حزبی در درون این کشورها، مشکلات اقتصادی داخلی و هجوم آوارگان سوری به برخی کشورهای اروپایی، نارضایتی مردم آمریکا و اروپا از طولانی شدن جنگ در افغانستان و عراق و تلفات و خسارات ناشی از آنها برخی دلایل داخلی و خارجی عدم همراهی این کشورها با سیاست‌های جنگ‌طلبانه آمریکا در سوریه بوده است.

واژگان کلیدی: آمریکا، اروپا، بحران سوریه، فراتلانتیک

۱. سمانه احمدخان بیگی، کارشناس ارشد مطالعات منطقه‌ای است (samaneh.khanbeigi@gmail.com)

تاریخ تصویب: ۹۲/۱۰/۲۲

تاریخ دریافت: ۹۲/۷/۱۱

مقدمه

روابط فراآتلانتیک به روابط تاریخی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشورهای اشاره دارد که در دو طرف اقیانوس اطلس هستند و به طور خاص روابطی که بین ایالات متحده آمریکا، کانادا و کشورهای اروپایی برقرار است را شامل می‌شود. از طرفی با توجه به این که ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا از جمله بازیگران مهم و تأثیرگذار نظام بین‌الملل به حساب می‌آیند، شناخت مواضع و عملکرد این دو بازیگر در قبال روندها و تحولات جهانی به منظور شناخت پدیده‌های بین‌المللی از اهمیت خاصی برخوردار است. ایالات متحده و متحدین اروپایی آن با وجود برخی تفاوت‌ها، همواره درصد ارتقای همکاری‌ها در دو سوی آتلانتیک بوده‌اند. بنابراین پیوند یا هماهنگی ملموسی میان دو طرف در حوزه‌های مختلف در منطقه وجود دارد، در عین حال این نگرانی را دارند که در مورد پدیده‌های تأثیرگذار در منطقه با برخی اختلافات روبرو شوند. به طور کلی با وجود مواضع مشترک اروپا و آمریکا در قبال موضوعات مهم، در بسیاری موارد تعارض و تلاقی در دیدگاه‌ها و مواضع آن‌ها پدید آمده است و هر دو بازیگر تلاش کرده‌اند تا مسائل و جریان‌های مهم جهانی را مطابق با منافع و علایق خود هدایت نمایند. از جمله این مسائل می‌توان به موضوع هسته‌ای ایران، روند صلح خاورمیانه و تضاد فلسطینی-اسرائیلی و همچنین مسئله سوریه اشاره کرد که در آن ایالات متحده غالباً به دنبال رهیافتی یک‌جانبه است، در حالی که اتحادیه اروپا اغلب برای کمک به حل مسائل، رهیافتی چندجانبه با تکیه بر نهادهای بین‌المللی مانند سازمان ملل متحد را دنبال می‌کند.

به هر صورت بلافاصله پس از آغاز بیداری اسلامی در منطقه بسیاری از کارشناسان دو سوی آتلانتیک برای ارتقای سطح همکاری‌های بیشتر میان اروپا و آمریکا در این منطقه شروع به کار کردند. به طوری که در مورد سوریه نیز مواضع آمریکا و اروپا تا حدودی با یکدیگر همراه شد و قطعنامه‌هایی را علیه دولت سوریه به منظور پایان دادن به حکومت بشار اسد به آن کشور تحمیل کرده و حمایت‌های مالی و مادی فراوانی را از مخالفین سیاسی و نظامی دولت سوریه به عمل آوردند. اما تا حدودی نیز در اتخاذ تاکتیک مناسب برای برخورد با این کشور موضع متفاوتی داشتند به خصوص با قوت گرفتن موضوع حمله نظامی به سوریه، در داخل اتحادیه اروپا، هریک از کشورها نسبت به این حمله موافقت‌ها و مخالفت‌هایی را ابراز داشتند. با توجه به اهمیت این موضوع، در این مقاله ضمن بررسی سیاست‌ها و رویکردهای ایالات متحده و اروپا در قبال بحران سوریه و مقایسه آن‌ها به برخی علل اختلاف مواضع این دو بازیگر در کاربرد گزینه نظامی علیه سوریه اشاره می‌شود.

۱. روابط اروپا و آمریکا در قالب فراتلانتیک

سنگ بنای روابط فراتلانتیک در دوران جنگ سرد پی‌ریزی شد اما معماری نوین آن پس از جنگ سرد و با طرح اعلامیه مشترک فراتلانتیک^۱ در ۱۹۹۰ و سپس ارائه‌ی دستور کار جدید فراتلانتیک^۲ در دسامبر ۱۹۹۵ در مادرید طراحی گردید که طی آن اصول همکاری‌ها و رایزنی‌های گسترده میان آمریکا و اروپا پی‌ریزی شد و چارچوبی را برای مشارکت و همکاری میان طرفین در حیطه‌های گسترده‌ای از فعالیت فراهم کرد (ساعی و خضری، ۱۳۸۸: ۱۶۰-۱۵۹). در این دستور کار، آمریکا و اروپا تأکید کرده‌اند که در داخل و خارج با چالش‌های جدیدی مواجه هستند که برای برطرف کردن آن‌ها باید مشارکت میان خود را در محورهای تقویت صلح و ثبات، دموکراسی و توسعه در سراسر جهان، پاسخ به چالش‌های جهانی، کمک به گسترش تجارت جهانی و روابط اقتصادی نزدیک‌تر، ایجاد روابط در سراسر حوزه آتلانتیک، پیوندهای پارلمانی و اجرا و تکمیل مسائل مشترک مورد بحث تقویت کنند (امیری، ۱۳۸۴: ۱۲۹ - ۱۲۸). لازم به ذکر است، علی‌رغم روابط سیاسی و اقتصادی نزدیک میان اتحادیه اروپا و آمریکا، این دو بازیگر بزرگ جهانی درباره برخی از مسائل دو یا چندجانبه در سطوح مختلف اقتصادی، سیاسی، دفاعی و حقوقی با یکدیگر اختلاف دارند.

در دوران کلینتون روند جهت‌گیری‌ها و فعالیت خارجی ایالات متحده براساس استراتژی تأمین منافع بر محور همکاری بین‌المللی طراحی شده بود و به موجب آن در سیاست‌های جهانی با شریکان اروپایی خود به رایزنی و همکاری می‌پرداخت. به همین دلیل اختلافاتی که بین اتحادیه اروپا و آمریکا در این دوره وجود داشت، کمتر نمود عینی پیدا می‌کرد اما در دوره بوش و با وقوع حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ نه تنها اختلافات میان ایالات متحده و اتحادیه اروپا افزایش و عمق چشمگیری پیدا کرد، بلکه این حوادث زمینه‌ای را ایجاد کرد که آمریکا با تغییر در اولویت‌های سیاست خارجی خود، روند یک‌جانبه‌گرایی را در پیش گیرد. اتحادیه اروپا در محیط استراتژیک جدید با برخورداری از مشخصه‌های متفاوت با گذشته به پیشبرد دیدگاهی اروپایی در سیاست جهانی و ایفای نقش متناسب با جایگاه خود در نظام بین‌الملل و پیگیری سیاست برابری جویی و موازنه قوا با آمریکا می‌اندیشد (پوراحمدی، ۱۳۸۹). در واقع به لحاظ سیاسی، اتحادیه اروپا مخالف اقدامات و ابتکاراتی است که باعث تقویت یک‌جانبه‌گرایی در نظام بین‌الملل می‌شود. از این رو این اتحادیه همواره از آمریکا خواسته است تا برای

1. Transatlantic Declaration of 1990

2. New Transatlantic Agenda (NTA)

تقویت چندجانبه‌گرایی از مبادرت به اقدامات یا اتخاذ تصمیمات کلان فرامرزی بدون مشورت با سایر بازیگران مهم نظام بین‌الملل خودداری کند. البته این سیاست ضرورتاً به همگرایی و هماهنگی با آمریکا منتهی نمی‌شود و پیش از این منجر به بروز اختلاف و حتی تنش میان دو طرف در موضوعات مختلف شده است. به‌ویژه اتخاذ سیاست‌های قهرآمیز و استفاده یک‌جانبه از زور به‌وسیله آمریکا به بالا گرفتن اختلافات دو طرف کمک فزاینده‌ای کرده است. در حالی که گرایش طبیعی اتحادیه اروپا استفاده از ابزارهای اقتصادی و سیاسی برای حل‌وفصل مناقشات بوده است، آمریکا به دلیل برتری نظامی نسبت به اتحادیه اروپا اشتیاق بیشتری به استفاده از زور نشان داده است (امیر، پیشین: ۱۳۴).

از سویی جنگ در افغانستان نمونه‌ای از همکاری‌های ایالات متحده و اتحادیه اروپا در قالب روابط فرآتلانتیک بود. به‌طوری‌که با وجود اختلاف‌نظرها و انتقاد آمریکایی‌ها از اروپایی‌ها به دلیل مشارکت محدود نظامی در افغانستان، شاهد درجه بالایی از همگرایی میان آن‌ها در افغانستان بودیم و می‌توان گفت یکی از دستاوردهای چندجانبه‌گرایی این بوده است که ایالات متحده و اتحادیه اروپا برای حل معضلات افغانستان، به رویکرد مشترکی دست پیدا کردند. در این میان برخی کارشناسان معتقدند که برای فائق آمدن بر چالش‌های جهانی به‌طور کلی و افغانستان به‌طور خاص، سرمایه‌گذاری بزرگ اروپا بر قدرت سخت و تعهد بیشتر آمریکا به قدرت نرم، می‌تواند یکی از الزامات چندجانبه‌گرایی در روابط فرآتلانتیک باشد (نورعلی‌وند و خلیل‌پور رکن‌آبادی، ۱۳۹۰: ۱۹۷).

از سوی دیگر مسئله‌ی عراق به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مسائل در روابط فرآتلانتیک مطرح بوده است. حمله‌ی آمریکا به عراق در اوایل سال ۲۰۰۳ به بهانه امحای سلاح‌های کشتار جمعی این کشور، در نهایت سقوط رژیم صدام و شکل‌گیری ترتیبات و معادلات نوین در عراق و منطقه را در پی داشت. این مسئله سبب پدید آمدن اختلاف حتی در میان اروپاییان شده بود و اتحادیه اروپا را به دو بخش اروپای قدیم و جدید تقسیم کرده بود. بخشی از این اتحادیه از همان ابتدا منتقد سرسخت حمله آمریکا به عراق بود و بارها نگرانی و مخالفت خود را با اقدام نظامی یک‌جانبه آمریکا به عراق اعلام داشت.

ایالات متحده آمریکا به ویژه با حمله به عراق که بدون مجوز شورای امنیت سازمان ملل و مخالفت شرکای اروپایی آن صورت گرفت؛ حساسیت اتحادیه اروپا نسبت به تقویت یک‌جانبه‌گرایی در نظام بین‌الملل را بیش از گذشته برانگیخت. در حالی که حملات تروریستی به آمریکا در سپتامبر ۲۰۰۱ موجی از حمایت از آمریکا را در اروپا به

راه انداخت، اما جنگ عراق به تخریب بخش عمده‌ای از اراده مثبت اروپا نسبت به آمریکا انجامید و تنش‌های زیادی را در خصوص مشارکت میان آمریکا و اتحادیه اروپا و میان کشورهای اروپایی با یکدیگر به وجود آورد (امیری، پیشین، ص ۱۳۴).

به‌طور کلی اتحادیه اروپا بنا بر دلایل و ملاحظاتی همچون افزایش خطر یک‌جانبه‌گرایی در نظام بین‌الملل، احتمال انحراف روند مبارزه بین‌المللی با تروریسم و نیز به دلیل عدم تأیید اقدام نظامی بر ضد عراق از سوی سازمان ملل به مخالفت با رهیافت و اقدام نظامی آمریکا علیه بغداد پرداخت. با این حال ایالات متحده آمریکا با فوری خواندن حمله هسته‌ای عراق، دفاع از امنیت خود و جهان را بهانه‌ای برای حمله به عراق در مارس ۲۰۰۳ قرار داد. اما پس از سقوط رژیم صدام، اتحادیه اروپا برای اهداف و ملاحظات کلان خود و حفظ حداقلی از نفوذ در معادلات آینده عراق، تلاش کرد برای فراموش کردن اختلافات در مواضع خود با آمریکا آمادگی بیشتری پیدا کند. از این رو برخی سیاست‌های همکاری جویانه را با ایالات متحده در عراق در پیش گرفت و کمیسیون اروپایی نیز به صورت فعالی در کنفرانس‌های مادرید، توکیو و اجلاس‌های بعدی برای کمک به بازسازی عراق مشارکت کرد.

بنابراین ایالات متحده و متحدان اروپایی آن با وجود حوزه‌های همکاری فراوان و نگرانی‌های مشترک در منطقه از جمله مقابله با تروریسم، گسترش تسلیحات هسته‌ای، جرایم فراملی، محدود کردن افراط‌گرایی اسلامی، حصول اطمینان از جریان قابل اعتماد صادرات انرژی و حمل‌ونقل تجاری و تضمین امنیت اسرائیل و پیشبرد مذاکرات صلح با فلسطینی‌ها، مواضع متفاوت و متضادی را نیز با یکدیگر دارند. برای مثال مجاورت جغرافیایی اروپا به منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا موجب گردیده است تا کنترل مهاجرت از اولویت‌های کلیدی هر یک از کشورهای اروپایی و اتحادیه اروپا باشد. در حالی که برای ایالات متحده حفظ همکاری نظامی با کشورهای منطقه به‌خصوص با توجه به منافع طولانی مدت این کشور با رژیم اسرائیل و در خلیج فارس اهمیت دارد.

با وجود این که اتحادیه اروپا و ایالات متحده آمریکا نسبت به پیگیری مسائل مختلف مرتبط با موضوع سلاح‌های کشتار جمعی اهتمام ویژه‌ای دارند و هر دو بازیگر تکثیر سلاح‌های کشتار جمعی را تهدیدی برای ثبات و امنیت خود و جهان می‌دانند و تمرکز آنان عمدتاً معطوف به تلاش برای جلوگیری از گسترش این سلاح‌ها در سطح جهان است، اما در مقام مقایسه‌ی میان مواضع و عملکرد اروپا و آمریکا در برابر سلاح‌های کشتار جمعی، برخورد آمریکا با این موضوع وجهه تهاجمی‌تری نسبت به سیاست‌های اتحادیه اروپا دارد. این مسئله به‌لحاظ راهبردی موجبات اتخاذ سیاست عملیات پیشگیرانه برای جلوگیری از تکثیر تسلیحات کشتار جمعی از سوی آمریکا را در

پی داشته است در حالی که چنین سیاستی در میان اروپاییان، علی‌رغم تأثیر به‌سزایی که مواضع اروپا بر خط‌مشی آمریکا دارد، هنوز جایگاهی ندارد (امیری، پیشین: ۱۵۹-۱۵۴).

در مجموع می‌توان این‌گونه استدلال کرد که آمریکا و متحدان اروپایی‌اش ضمن همکاری در موضوعات مختلف بر سر مواردی نیز با یکدیگر اختلاف‌نظر دارند و چالش‌های متعددی در روابط فرآتلانتیک وجود دارد. همان‌طور که در اکتبر ۲۰۱۱ فلیپ گوردون، دستیار وزیر امور خارجه آمریکا در امور اروپا و اوراسیا، اظهار داشت: همکاری نزدیک فرآتلانتیک نقطه شروع حتمی در تلاش‌های ما برای پاسخ مؤثر و کارآمد در برابر تغییرات اخیر در جهان عرب است. در حالی که دستور کار فرآتلانتیک بسیار گسترده است و صدها موضوع در آن وجود دارد که احتمالاً به‌زمان بیشتری برای چالش‌های خاص چند ماه گذشته نسبت به هر زمان دیگری نیاز است (Gordon, 2011). به‌طوری که در مورد بحران سوریه آنان در تحقق اهداف خود در این کشور برای تضعیف یا براندازی دولت سوریه با پیچیدگی‌ها و موانع بسیاری روبرو بودند و در مورد حمله محدود آمریکا به سوریه نیز برخی کشورهای اروپایی با آمریکا همراه بوده و حتی رهبری دخالت نظامی را به‌عهده داشتند و برخی به دلایل مختلف ترجیح دادند که در این حوزه مداخله نکنند.

۲. بحران سوریه

جنگ در داخل سوریه قریب سه سال ادامه داشت و در آن بیش از صد هزار نفر کشته و میلیون‌ها نفر آواره شدند (Laub and Masters, 2013). در بنبوجه بحث‌های بین‌المللی در مورد چگونگی حل و فصل درگیری‌ها در این کشور، وقوع حمله شیمیایی در ۲۱ اوت ۲۰۱۳ (۳۰ مرداد ۱۳۹۲) در منطقه غوطه شرقی و ادعای مخالفین مبنی بر استفاده دولت سوریه از این سلاح‌ها علیه شهروندان خود و کشته‌شدن صدها نفر در این حملات باعث پیچیده‌تر شدن مسائل شد. این حملات که مرگ‌بارترین حمله شیمیایی پس از حلبچه خوانده می‌شود در مناطق مزروعی غوطه که تحت کنترل مخالفان و عمدتاً سنی‌نشین بود رخ داده است.

پیروزی‌های دولت و ارتش سوریه در حلب و شروع عملیات در غوطه شرقی به منظور بازپس‌گیری این مناطق سبب شد تا غربی‌ها و مخالفین به دنبال بهانه‌ای برای فشار به دولت سوریه، مسئله حمله شیمیایی را بهانه قرار داده و با محکوم کردن دولت بشار اسد در استفاده از این سلاح‌ها، جلوی پیشروی‌های آن‌ها را در این مناطق بگیرند. اما گزارش‌های متعدد حاکی از عدم امکان دست داشتن دمشق در به‌کارگیری

تسلیمات شیمیایی بوده است. در این گزارش‌ها مطرح می‌شود، فاصله زیاد ارتش سوریه با محل حمله نسبت به طول برد موشک‌های حامل گاز سارین و همچنین پذیرفتن انتقال سلاح‌های شیمیایی توسط دولت سوریه از جمله دلایل عدم استفاده دولت دمشق از این سلاح‌ها بوده است. اما در ماه سپتامبر ایالات متحده با دستاویز قرار دادن بهانه حمله شیمیایی، دولت سوریه را تهدید به حمله نظامی کرد، به طوری که این مسئله ابعاد وسیع و پیچیده این بحران را بیش از پیش نمایان ساخت و منجر به عدم همراهی برخی از متحدان اروپایی با سیاست‌های آمریکا در قبال آن شد. پیچیدگی‌های بحران سوریه و حمله نظامی به این کشور به حدی بود که حتی سیاستمداران ایالات متحده نیز نسبت به آن تردید داشتند. دلایل چندی در اثبات تردیدهای آمریکا و متحدانش در مورد حمله به سوریه مطرح است که عبارتند از: ۱. جنگ در سوریه ممکن است به یک هرج و مرج فرقه‌ای تمام‌عیار برای بی‌ثبات کردن کل منطقه منجر شود. ۲. حامیان دولت بشار اسد - روسیه و ایران - قدرتمند و منسجم عمل خواهند کرد. به طوری که روسیه ممکن است در برابر حمله ایالات متحده از هیچ کاری دریغ نکند. در ضمن مسکو می‌تواند با نزدیکی به تهران و عمل نکردن به رژیم تحریم‌ها یک دیپلماسی ضد آمریکایی را در سراسر جهان به‌طور مؤثر به پیش ببرد. ۳. سرنگونی بشار اسد می‌تواند موجب به قدرت رسیدن گروه‌های افراط‌گرا شود. نظیر آنچه در افغانستان تحت کنترل طالبان در اواخر ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۱ رخ داد - لذا جنگ‌های فرقه‌ای در سوریه نه تنها کاهش نخواهد یافت بلکه ممکن است تشدید شود (Kaplan, 2013). ۴. مداخله‌های تمام‌عیار مناسب نخواهد بود و باید حملات گزینشی و حساب شده به تأسیسات شیمیایی انجام داد، اما به دلیل نبودن اطلاعات دقیق و کامل درباره مکان آن‌ها، تلفات جانی بالایی بر جای خواهد گذاشت. ۵. خستگی مردم آمریکا و اروپا از بیش از یک دهه درگیری و جنگ در افغانستان و عراق و تلفات و خسارات ناشی از آن و عدم دستیابی کشورهای شرکت‌کننده در آن جنگ‌ها به اهداف مورد نظر خود. بنابراین با توجه به این مسائل اتخاذ سیاست‌های مناسب و یکسان از سوی ایالات متحده و اروپا در قبال بحران سوریه، بسیار سخت و با چالش‌های متعددی روبرو بود (Friedman, 2013).

۳. سیاست‌های آمریکا در قبال بحران سوریه:

به طور کلی سیاست خارجی آمریکا در دوران پس از جنگ سرد، بر سه اصل استوار بوده است: ۱. تأمین امنیت و حفظ تمامیت رژیم اسرائیل و دفاع همه‌جانبه از آن. ۲. تضمین صدور نفت و انرژی خاورمیانه. ۳. حفظ رژیم‌های همراه و مقابله با رژیم‌های ناهمراه با شیوه‌های مختلف حتی از طریق مداخله‌گرایی تهاجمی در قالب مبارزه با

تروریسم و دموکراسی‌سازی (کلبعلی، ۱۳۹۰: ۱۴-۱۳). اما به‌طور خاص مواضع و عملکرد ایالات متحده در قبال بحران سوریه را می‌توان در سه دوره ذیل بررسی کرد:

الف) تحریم‌های ایالات متحده علیه دولت سوریه و کمک به شورشیان: تحریم‌های ایالات متحده علیه سوریه محدود به بحران اخیر نمی‌شود بلکه آمریکا به منظور تضعیف یکی از حامیان حزب‌الله لبنان، ایجاد یک حکومت طرفدار غرب و متمایل به رژیم صهیونیستی در این کشور و جلوگیری از امتداد سیاست خارجی ایران در منطقه به‌ویژه در قبال فلسطین همواره دمشق را مورد تحریم قرار داده بود. از همین رو وزارت امور خارجه آمریکا در سال ۱۹۷۹ سوریه را به‌عنوان یک کشور حامی تروریسم شناسایی کرد و بسیاری از کمک‌های ایالات متحده به این کشور را قطع و تاکنون چندین دور تحریم را به سوریه تحمیل کرده است (Sharp & Blanchard, 2013). همچنین رئیس‌جمهور آمریکا، باراک اوباما در اوت ۲۰۱۱ در فرمان اجرایی ۱۳۵۸۲ (Executive Order 13582 of August 17, 2011) دولت سوریه و شخص بشار اسد را تحریم کرد. بر این اساس، تمام دارایی‌های دولت سوریه مسدود شد و اتباع ایالات متحده از تجارت و معامله با دولت سوریه منع شدند و واردات فرآورده‌های نفتی از سوریه نیز ممنوع گردید. دولت اوباما در سال ۲۰۱۲ از عزم خود برای ایجاد یک دفتر آژانس توسعه بین‌المللی جهت برنامه ابتکارات انتقالی سوریه به کنگره خبر داد که در آن هزینه‌های اولیه آن ۵ میلیون دلار برآورد گردیده است و هدف آن حمایت ایالات متحده از تغییر رژیم سیاسی سوریه در بلندمدت است.

واشنگتن همچنین سفارت خود را در دمشق تعطیل کرد و سفیر این کشور در فوریه ۲۰۱۱ در بحبوحه‌ی افزایش حملات در حمص به مأموریت خود پایان داد. در ژوئن ۲۰۱۳ نیز جان کری وزیر امور خارجه آمریکا اعلام کرد که بخشی از تحریم‌های صادرات کالاها و فناوری‌های غیرنظامی را برای مناطق تحت کنترل شورشیان لغو کرده است (Laub and Masters, 2013). دولت ایالات متحده ۲۵۰ میلیون دلار به مخالفان سوری و همچنین نزدیک به ۵۱۰ میلیون دلار از صندوق کمک‌های بشردوستانه تحت عنوان کمک به افراد متأثر از جنگ، به مخالفان کمک کرده است (U.S. Department of State Factsheet, 2013). در این راستا حتی برخی از اعضای کنگره خواستار تعامل فعال‌تر ایالات متحده با ناتو در حمایت از شورشیان سوریه بودند؛ با این استدلال که درنگ آمریکا در مسلح کردن مخالفان یا مداخله نظامی، جنگ را طولانی و موقعیت بشردوستانه را بدتر کرده و اجازه داده است تا اسلام‌گرایان افراطی ابتکار عمل را به‌دست گیرند.

در فوریه ۲۰۱۳، ایالات متحده اعلام کرد کمک‌هایی شامل مواد غذایی و پزشکی را برای مخالفان فراهم می‌کند. پس از آن، در ماه ژوئن، کاخ سفید با ادعای استفاده بشار اسد از سلاح‌های شیمیایی در برابر شورشیان مخالف دولت، به سازمان سیا اجازه داد تا سلاح‌های کوچک و مهمات را برای گروه‌های شورشی فراهم کند (Archick and Mix, 2013).

ب) تهدید به حمله نظامی علیه سوریه: پس از وقوع حمله شیمیایی در سوریه و ادعای مخالفین مبنی بر استفاده‌ی دولت از سلاح‌های شیمیایی علیه مردم، ایالات متحده گزینه‌ی حمله تنبیهی در برابر دمشق را در دستور کار خود قرار داد. پس از آن که واشنگتن ادعا کرد شواهدی دال بر استفاده‌ی دولت سوریه از سلاح‌های شیمیایی در دست دارد، نگرانی‌ها در ارتباط با مداخله نظامی آمریکا به بهانه‌ی کاهش توانایی سوریه در استفاده از سلاح‌های شیمیایی در ماه اوت قوت گرفت.

گزینه‌ی حمله محدود به اهداف مشخص در سوریه، برای ایالات متحده به‌منظور تضعیف قدرت نظامی دولت این کشور بدون هدف قرار دادن شخص بشار اسد بود. زیرا مقامات امریکایی معتقد بودند که از بین رفتن اسد گره‌ها را پیچیده‌تر می‌کند. از طرفی انهدام کامل سلاح‌های شیمیایی غیرممکن بود و به طرز چشمگیری خطر آلودگی ناخواسته و حتی احتمال دستیابی گروه‌های افراطی داخل سوریه به این سلاح‌ها نیز وجود داشت. مطرح می‌شد (Stratfor, 27 Aug 2013). از طرفی رئیس ستاد مشترک ارتش، ژنرال مارتین دمپسی، در گزارش خود به کنگره در ژوئیه ۲۰۱۳ در مورد استفاده از نیروی نظامی ایالات متحده در سوریه اعلام کرد مداخلات محدود، مانند ایجاد مناطق پرواز ممنوع، مناطق میانجی و یا حملات محدود به دارایی‌های نظامی سوریه، میلیاردها دلار هزینه برای ایالات متحده دارد، ضمن این که امنیت شهروندان را تضمین نمی‌کند و به‌سرعت می‌تواند گسترش یابد به طوری که جلوگیری از آن سخت خواهد بود (Laub and Masters, 2013). از این‌رو پس از رأی منفی پارلمان انگلیس و مخالفت آلمان، کاخ سفید اجازه‌ی استفاده از نیروی نظامی آمریکا علیه دولت سوریه را با وجود تعجب بسیاری از ناظران به کنگره واگذار کرد، اما پس از آن درخواست کرد که قانون‌گذاران مذاکرات‌شان را تا زمانی که دولت پیشنهاد مسکو برای خنثی‌سازی سلاح‌های شیمیایی دولت بشار اسد را بررسی می‌کند به تأخیر بیاورد (ibid).

همزمان با رأی منفی پارلمان انگلیس، چاک هیگل و جان کری، وزرای دفاع و امور خارجه آمریکا و دیگر اعضای تیم امنیت ملی دولت اوباما با شرکت در یک کنفرانس تلفنی با گروهی از نمایندگان دو حزب دموکرات و جمهوری‌خواه در کنگره

رویکرد ایالات متحده به بحران در سوریه را بررسی کردند. آن‌ها در این جلسه مدعی شدند که کاخ سفید حکومت بشار اسد را مسئول کاربرد سلاح شیمیایی در حومه دمشق می‌داند و رئیس‌جمهور آمریکا هنوز برای اقدام نظامی در سوریه تصمیم نگرفته است، اما در اعمال اراده بین‌المللی در جلوگیری از کاربرد چنین تسلیحاتی، ملزم به مجازات این حکومت است و بدون مجوز شورای امنیت وارد عمل خواهد شد. در واقع این مسئله نشان‌گر مهارت اوباما در واگذار کردن تصمیم‌گیری برای جنگ به کنگره بود که در نهایت کنگره مسئولیت جنگ را در مقابل افکار عمومی آمریکا به عهده بگیرد. از طرفی دولت روسیه با وجود این که کاربرد سلاح شیمیایی در سوریه را مردود نمی‌دانست، اما مسئولیت حمله شیمیایی به حومه دمشق را به نیروهای مخالف نسبت داد و اعلام کرد شواهد ارائه شده توسط ایالات متحده و برخی دیگر از کشورهای غربی مسئولیت حکومت سوریه را اثبات نمی‌کند و تأکید کرد که اقدام نظامی بدون مجوز شورای امنیت، از لحاظ حقوق بین‌الملل، غیرقانونی است (Ibid). با برگزاری اجلاس رهبران کشورهای گروه ۲۰ در شهر سن‌پترزبورگ روسیه در ۶ سپتامبر به‌منظور حل مشکلات اقتصاد جهانی، موضوع بحران سوریه نیز در این اجلاس مطرح شد. اما اختلاف‌نظرها در این اجلاس درباره سوریه مانع از اتخاذ تصمیمی مشترک در مورد چگونگی واکنش به کاربرد سلاح شیمیایی در این کشور شد.

ج) توافق با روسیه و قطعنامه شورای امنیت: روسیه به‌همراه چین به عنوان اعضای دائم شورای امنیت سازمان ملل به‌دلیل روابط اقتصادی و نظامی قابل توجه با سوریه، قطعنامه‌هایی را که توسط آمریکا و کشورهای اروپایی برای منزوی کردن دولت بشار اسد طراحی شده بود وتو کردند. در این میان مسکو همچنان به ارائه کمک‌های نظامی به سوریه ادامه داد. در سپتامبر ۲۰۱۳، در حالی که بحث حمله نظامی به سوریه به نقطه‌ی حساس و بحرانی خود رسیده بود و هر کشور و گروه مخالفی می‌کوشید با گفتمان و رایزنی با طرف آمریکایی مانع از انجام حمله شود، این تحلیل‌ها قوت گرفت که این بحران یک رویارویی میان ایالات متحده و روسیه است و مسکو با هدف برابری جویی با ایالات متحده و به امید دستیابی به موفقیت دیپلماتیک در آن، طرح ۶ مرحله‌ای خود را برای از بین بردن ذخایر سلاح‌های شیمیایی دولت سوریه توسط ناظران بین‌المللی با شرط جلوگیری از حملات بالقوه ایالات متحده علیه این کشور پیشنهاد داده است.^(۱)

پس از ارائه‌ی سند تعیین سازوکار نابودی فوری برنامه‌ی تسلیحات شیمیایی سوریه، باراک اوباما طرح مسکو را بالقوه مثبت ارزیابی کرد و اظهار داشت که اگر سوریه تسلیحات شیمیایی خود را تحویل دهد، قطعاً می‌توان اقدام نظامی را متوقف

کرد. هر چند اوباما در آن برهه گفته بود در صورت مخالفت کنگره نیز هدف خود علیه سوریه را دنبال خواهد کرد، اما به دنبال مطرح شدن طرح پیشنهادی روسیه وی تصریح کرد که اگر کنگره با اقدام نظامی علیه سوریه مخالفت کند، دیگر به سوریه حمله نخواهد کرد. تغییر موضع آمریکا و منصرف شدن واشنگتن از حمله به سوریه به نحوی بود که به عقیده برخی تحلیل‌گران، به طرز چشمگیری وزن مسکو را در معادلات بین‌المللی افزایش داد (Stratfor, 12 Sep 2013). توافق روسیه و آمریکا در ژنو منجر به تصویب قطعنامه ۲۱۱۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد با اجماع اعضای این شورا در ۲۷ سپتامبر ۲۰۱۳ (۵ مهر ۱۳۹۲) شد (Reuters, 27 Sep 2013). آمریکا تلاش داشت در پیش‌نویس قطعنامه مذکور بندی را اضافه کند که در آن بر الزام‌آور بودن این قطعنامه بر طرف سوری تأکید کند و در صورت تخطی از آن، تحت فصل ۷ منشور سازمان ملل اعمال هرگونه برخورد بین‌المللی قهرآمیز توسط طرف‌های بین‌المللی مجاز باشد. این مسئله مورد مخالفت روس‌ها قرار گرفت. اما در مجموع به موضوع فصل ۷ اشاره‌ای نشد و صرفاً راهکارهایی برای برخورد با دولت سوریه در صورت تخطی از این قطعنامه پیش‌بینی شد.

د) موضع آمریکا نسبت به برگزاری نشست ژنو ۲: نشست صلح سوریه موسوم به ژنو ۲ در تاریخ ۲۲ ژانویه ۲۰۱۴ (دوم بهمن ماه) با حضور وزیران خارجه کشورهای مختلف در شهر مونتره سوئیس برگزار شد. توافق میان واشنگتن و مسکو در سپتامبر ۲۰۱۳، نشان‌دهنده تمایل کشورهای قدرتمند برای تحقق گزینه‌ی سیاسی در سوریه بود اما بحث حضور یا عدم حضور ایران در این مذاکرات از جمله اصلی‌ترین موضوعات مورد اختلاف گردید. به طوری که مشارکت تهران در این نشست به عنوان عامل مهمی در جهت تسهیل و تسریع حل‌وفصل سیاسی این بحران با مخالفت‌ها و موافقت‌هایی از سوی مقامات بین‌المللی و برخی کشورها روبرو شد. در این راستا اخضر ابراهیمی، فرستاده مشترک سازمان ملل و اتحادیه عرب به سوریه و برخی دیگر بر حضور ایران در این نشست تأکید و از آن حمایت کردند (روزنامه جمهوری اسلامی، اول دی ۱۳۹۲).

از سوی دیگر جان کری، وزیر امور خارجه ایالات متحده، با تعیین شرط نسبت به این حضور اعلام کرد تهران می‌تواند در مذاکرات شرکت کند به شرطی که اصول پذیرفته شده در مذاکرات ژنو ۱ را بپذیرد که یکی از آن اصول، ایجاد دولت انتقالی در سوریه است (خبرگزاری ایسنا، ۲۳ دی ۱۳۹۲). این در حالی است که نقش و نفوذ ایران به عنوان عنصری مهم و تأثیرگذار در روند حل‌وفصل مسائل و مشکلات در منطقه از جمله موضوع سوریه شناخته می‌شود. از سوی دیگر جمهوری اسلامی ایران بارها اعلام کرد که هیچ‌گونه پیش‌شرطی را برای حضور در این نشست نمی‌پذیرد و در صورت

دعوت رسمی برای کمک به حل بحران آمادگی حضور رسمی و کامل در این نشست را دارد و از هیچ کمکی در این زمینه دریغ نخواهد کرد. از این رو بسیاری از تحلیل‌گران معتقدند مخالفت واشنگتن برای حضور ایران در مذاکرات سوریه و تعیین پیش‌شرط برای آن را - با وجود این که مقامات آمریکایی به صراحت ایران را بازیگری مهم و تأثیرگذار در آینده سوریه عنوان می‌کردند- در راستای فشار برخی طرف‌های تأثیرگذار مانند عربستان سعودی برای جلوگیری از افزایش نفوذ منطقه‌ای ایران در محورهای مختلف به‌خصوص حوزه عربی قابل تفسیر است.

۴. سیاست‌های اتحادیه اروپا در قبال بحران سوریه

خاورمیانه و شمال آفریقا به چند دلیل از جمله مجاورت جغرافیایی، حضور بسیاری از مهاجران مسلمان کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا در کشورهای اروپایی، وابستگی اروپا به منافع طبیعی منطقه از جمله نفت و روابط گسترده تجاری بین اروپا و این کشورها، به‌عنوان حیاط خلوت اروپا^۱ تلقی می‌شود (Archick and Mix, 2013). کشورهای اروپایی طی سال‌های گذشته همواره کوشیده‌اند که مانع مهاجرت خارجی به‌خصوص از ناحیه کشورهای اسلامی شوند تا از بروز برخی مشکلات در آینده جلوگیری کنند. اما بحران سوریه که برخی از کشورهای اروپایی نیز در آغاز و ادامه آن نقش داشتند، همان مشکلاتی را دامن‌گیر اتحادیه اروپا و به‌خصوص کشورهای ساحلی دریای مدیترانه کرده است که سال‌ها کوشیده بودند از آن فرار کنند. در واقع می‌توان گفت که وقوع جنگ در داخل سوریه و کشته شدن حدود ۱۰۰ هزار نفر در آن، تبدیل به موضوع محوری نگرانی برای اتحادیه اروپا، آمریکا و جامعه بین‌المللی شد. در این بخش مواضع، سیاست‌ها و رویکرد اتحادیه اروپا نسبت به این بحران در چند مرحله مورد بررسی قرار می‌گیرد:

الف) تحریم‌های اتحادیه اروپا علیه سوریه و کمک‌های آن به مخالفان دولت:
اتحادیه اروپا در سال ۲۰۰۴ یک توافق‌نامه همکاری با سوریه امضا کرد که در سال ۲۰۰۸ مورد تجدیدنظر قرار گرفت اما مراحل تصویب رسمی آن به دنبال تحولات سوریه در مارس ۲۰۱۱ و به بهانه‌ی نحوه عملکرد دولت بشار اسد در این حوادث به تعویق افتاد. پس از آن مجموعه گسترده‌ای از تحریم‌های این اتحادیه علیه دولت سوریه با هدف تحت فشار قرار دادن آن جهت پذیرش آتش‌بس و مذاکره تصویب شد (Council

(of the European Union, 4 June 2013). این تحریم‌ها شامل انسداد دارایی‌ها، ممنوعیت سفر، تحریم تجهیزاتی که به ادعای اروپایی‌ها ممکن است برای سرکوب داخلی^۱ و یا نظارت بر ارتباطات استفاده شود و همچنین اعمال محدودیت بر واردات نفت سوریه و صادرات تجهیزات و فرآورده‌های نفتی این کشور است (Archick and Mix, 2013). اتحادیه اروپا ۱۲۹ میلیون یورو از کمک‌های دوجانبه خود را به دولت سوریه در بازه‌ی ۲۰۱۳ - ۲۰۱۱ و همچنین تأمین مالی و پرداخت وام را متوقف کرده است. در دسامبر ۲۰۱۲ نیروهای مخالف دولت سوریه را به رسمیت شناخت و ۶۲۶ میلیون یورو تحت عنوان کمک‌های انسان‌دوستانه به پناهندگان و بازماندگان در سوریه اعطا کرده است که از این مبلغ ۲۶۵ میلیون از بودجه کمک‌های بشردوستانه اتحادیه اروپا و بیش از ۳۶۱ میلیون آن از کشورهای عضو بوده است (ibid).

کشورهای اروپایی همچنین کمک‌های نظامی فراوانی به شورشیان مسلح سوریه ارائه دادند. در این راستا اتحادیه اروپا به‌طور رسمی تحریم‌های تسلیحاتی خود در سوریه را به‌منظور انتقال وسایل و تجهیزات نظامی به مخالفان و فشار به دولت بشار اسد لغو کرد (Guardian, 1 March 2013). این اتحادیه در آوریل سال ۲۰۱۳ محدودیت‌های خود را به‌منظور فراهم کردن اجازه واردات نفت خام برای تقویت امور مالی نیروهای مخالف سوریه کاهش داد و با وجود آگاهی از این امر که صادرات اسلحه به مخالفان می‌تواند مورد سوءاستفاده قرار گیرد، تعدادی از تحریم‌های خود را به‌منظور کمک به مخالفان سوری لغو کرد و به کشورهای عضو اجازه داد تا معاملات و سرمایه‌گذاری‌های خود در حوزه‌های مرتبط با نفت را با ائتلاف مخالفین ادامه دهند (Archick and Mix, 2013). علاوه بر این محدودیت‌های مالی برای کمک به نیروهای شورشی و ایجاد روابط اقتصادی با غیرنظامیان در مناطق تحت کنترل شورشیان نیز برداشته شد و در ماه ژوئیه سال ۲۰۱۳، اتحادیه اروپا شاخه‌ی نظامی حزب‌الله را به‌دلیل پشتیبانی تاکتیکی یک گروه شبه‌نظامی لبنان برای کمک به دولت سوریه به‌عنوان یک سازمان تروریستی مورد تحریم قرار داد (Laub and Masters, 2013). سیاست‌مداران اروپایی بحث مسلح کردن شورشیان در سوریه و مداخله نظامی احتمالی را نیز مورد بحث قرار دادند، اما میان آن‌ها اختلاف‌نظرهای بسیاری وجود داشت. در اوایل سال ۲۰۱۳، انگلیس و فرانسه تلاش‌هایی را برای لغو تحریم‌های تسلیحاتی اتحادیه اروپا در سوریه به‌منظور مسلح کردن نیروهای اپوزیسیون انجام دادند و در اواخر ماه مه، با وجود مخالفت و اعتراض

تعدادی از اعضا، تحریم تسلیحاتی به پایان رسید (Council of the European Union, 27 May 2013).

ب) اقدامات اروپایی‌ها پس از تهدید آمریکا به حمله نظامی: پس از بهانه حمله شیمیایی ۲۱ اوت ۲۰۱۳ و ادعای مخالفین مبنی بر استفاده‌ی دولت سوریه از این سلاح‌ها و تهدید آمریکا به حمله نظامی علیه دولت بشار اسد، وزیران امور خارجه ۲۸ کشور اتحادیه اروپا در دیداری با جان کری، وزیر امور خارجه آمریکا، بر خواسته این اتحادیه مبنی بر ارائه‌ی پاسخی روشن و قدرتمند به حملات شیمیایی در سوریه تأکید کردند، اما به دلیل نگرانی از گسترش هرج و مرج و افراط‌گرایی در صورت وقوع جنگ و تردید نسبت به مؤثر بودن یا نبودن اقدام نظامی، از وی خواستند تا زمان ارائه‌ی گزارش بازرسان تسلیحاتی سازمان ملل در مورد اتهام دولت سوریه به استفاده از سلاح‌های شیمیایی، اقدام نظامی ایالات متحده به این کشور را به تعویق بیندازند (Independent, 7 Sep 2013). در این راستا کاترین اشتون، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، ضمن این که خواستار بررسی فوری و کامل اتهام استفاده دولت سوریه از سلاح‌های شیمیایی شد، تصریح کرد: جامعه بین‌المللی در مقابل استفاده از سلاح‌های شیمیایی نمی‌تواند بی‌تفاوت بماند. چنین جنایاتی غیرقابل قبول بوده و بدون مجازات نخواهند ماند و مستلزم پاسخی روشن و قاطع است (Reuters, 21 Aug 2013).

در همین حال آندرس فوگ راسموسن، دبیرکل ناتو، نیز ضمن مسئول دانستن دولت بشار اسد در حمله شیمیایی ۲۱ اوت اعلام کرد تصورش این است که حمله‌ای کوتاه، دقیق و هدفمند علیه سوریه انجام شود. لذا نیازی به ایفای نقش ناتو نیست (Euronews, 2 Sep 2013). بنابراین به صورت تلویحی از اعلام حضور ناتو در جنگ احتمالی علیه سوریه خودداری کرد. در این زمینه برخی کشورهای اروپایی مانند آلمان و انگلیس با وجود این که سیاست‌هایی را در جهت همراهی با آمریکا در پیش گرفتند اما نسبت به حمله نظامی موضع منفی اتخاذ کردند که به برخی از دلایل آن در فصل بعد اشاره خواهد شد. به طور کلی با وجود متفاوت بودن مواضع هر یک از کشورهای اروپایی در قبال حمله نظامی آمریکا به سوریه، موضع اتحادیه اروپا نسبت به این بحران، تا حد امکان ممانعت از جنگ بود.

ج) مواضع اتحادیه اروپا پس از توافق آمریکا و روسیه: موضع اتحادیه اروپا پس از توافق ۶ ماده‌ای آمریکا و روسیه نیز همچنان بر خلع سلاح سوریه تأکید داشت. کاترین اشتون، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، در بیانیه‌ای خواستار بازرسی کامل تمام انبارها و پایگاه‌های موجود در سوریه توسط بازرسان سازمان منع کاربرد سلاح‌های شیمیایی و کارشناسان سازمان ملل شد و از آمادگی اتحادیه اروپا برای ارائه

کمک فنی به این سازمان‌ها برای از بین بردن سلاح‌های شیمیایی سوریه خبر داد. در همین حال، آندرس فوگ راسموسن، دبیر کل سابق ناتو، نیز توافق روسیه و آمریکا را گامی مهم در راستای از بین بردن سلاح‌های شیمیایی در سوریه دانست و خواستار همکاری کامل و شفاف دولت سوریه در این زمینه شد.

د) مواضع اروپایی‌ها نسبت به برگزاری نشست ژنو: مقامات اروپایی هدف از برگزاری نشست ژنو ۲ را تحقق بخشیدن به دستاوردهای نشست ژنو ۱ مبنی بر تشکیل دولتی با اختیارات کامل در سوریه توصیف نمود و هر یک از کشورهای اروپایی در قبال برگزاری این مذاکرات برای حل و فصل بحران سوریه، شروط مطرح شده در آن و نیز حضور یا عدم حضور ایران مواضع متفاوتی اتخاذ کردند. در این میان آلمان ضمن تأکید بر نقش ایران در منطقه، از حضور و مشارکت تهران در مذاکرات ژنو ۲ حمایت کرد. فرانک والتر اشتاین‌مایر، وزیر امور خارجه آلمان، گفت: میانجی‌گران بین‌المللی باید تلاش کنند تا همسایگان سوریه، از جمله ایران را نیز (در مذاکرات ژنو ۲) دخیل کنند (پرس تی‌وی، ۱۹ دی ۱۳۹۲).

از سوی دیگر برخی کشورهای اروپایی مانند فرانسه، علی‌رغم اذعان به این نکته که بحران سوریه می‌تواند کل منطقه را در بر بگیرد و این موضوع خطرات زیادی برای ثبات منطقه‌ای دارد، با مشارکت ایران در کنفرانس ژنو ۲ مخالفت کردند و آن را منوط به موافقت با تشکیل دولت انتقالی دانستند (تسنیم، ۲۲ دی ۱۳۹۲). در این راستا لوران فابیوس، وزیر خارجه فرانسه، بعد از نشست گروه موسوم به دوستان سوریه که در پاریس برگزار شد، مذاکرات سیاسی را تنها راه حل پایان دادن به بحران سوریه دانست. با این حال بر موضع قبلی فرانسه مبنی بر لزوم تشکیل یک دولت انتقالی در سوریه تأکید کرد (خبرگزاری فارس، ۲۲ دی ۱۳۹۲). پیش از این نیز سخنگوی وزارت خارجه فرانسه مدعی شده بود که مشارکت ایران تهدیدی برای ثبات منطقه‌ای به شمار می‌آید (سایت عصر ایران، ۲۸ اردیبهشت ۱۳۹۲). در این خصوص فرانسوا اولاند، رئیس جمهوری این کشور، نیز مدعی شده بود اگر در ژنو ۲ هدف شرکت‌کنندگان تقویت پایه‌های قدرت اسد باشد این نشست نخواهد توانست راهکار سیاسی مناسبی برای حل بحران سوریه فراهم کند.

۵. مقایسه مواضع اروپا و آمریکا در قبال بحران سوریه:

به طور کلی در باب مقایسه‌ی مواضع اتحادیه اروپا و آمریکا در قبال بحران سوریه می‌توان اظهار داشت که رویکرد و عملکرد این دو بازیگر وجوه تشابه و تمایز مختلفی نسبت به یکدیگر دارد. برخورد اتحادیه اروپا با بحران سوریه به لحاظ نظری مبتنی بر

تصورات و مفروضاتی است که این اتحادیه نسبت به مناقشات منطقه‌ای و پیامدهای بعدی آن دارد. بر این اساس این مناقشه می‌تواند به تشدید افراط‌گرایی، تروریسم و در نتیجه بی‌ثباتی منطقه‌ای منجر شود. از سوی دیگر موضع ایالات متحده در ابتدا این بود که جنگ داخلی در سوریه ادامه خواهد داشت مگر آن که آمریکا به حمایت از مخالفین مداخله کرده و از قدرتش برای در هم شکستن علوی‌ها و تحویل دادن قدرت به مخالفان استفاده کند اما پس از وقوع حمله شیمیایی، چالش‌های بزرگ‌تری برای آمریکا در مواجهه با سوریه مطرح شد.

با توجه به مباحث مطرح شده در بخش‌های گذشته و مقایسه‌ی مواضع اروپا و آمریکا در قبال بحران سوریه، برخی مواضع مشترک این دو را می‌توان بدین شرح بیان کرد: هر دو تحریم‌های مالی و تجاری فراوانی علیه دولت سوریه اعمال کردند؛ هر دو حامی مخالفین دولت سوریه بودند؛ هر دو خواهان تضعیف حکومت سوریه می‌باشند؛ هر دو به شورشیان مسلح مخالف دولت سوریه کمک‌های مالی و تسلیحاتی می‌کردند و تحریم‌های قبلی را که مانع رسیدن سلاح به شورشیان می‌شد لغو کردند. البته شدت عمل اروپا در این خصوص بیشتر بود؛ هر دو موافق برخورد قاطع با کاربرد سلاح‌های شیمیایی در سوریه بوده و دولت این کشور را مقصر می‌دانستند؛ هم اروپا و هم آمریکا مهار قدرت ایران و حزب‌الله در سوریه را مدنظر دارند؛ هر دو طرفدار امنیت اسرائیل هستند و امنیت این رژیم را جزء لاینفک ثبات منطقه می‌دانند و در جهت پیشبرد مذاکرات میان رژیم صهیونیستی و تشکیلات خودگردان فلسطین تلاش می‌کنند؛ هر دو به برگزاری نشست ژنو ۲ براساس بیانیه ژنو ۱ معتقد و ایجاد دولت ائتلافی را راه‌حل بحران و برقراری مجدد امنیت و آرامش در سوریه می‌دانستند؛ و هر دو بازنگر بر جلوگیری از گسترش نفوذ گروه‌های تکفیری مسلح در کشور سوریه تأکید داشتند.

در خصوص اختلاف مواضع آمریکا و اروپا نسبت به بحران سوریه نیز می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: آمریکا در حمایت از رژیم اسرائیل جانبدارانه‌تر از اروپا عمل می‌کند؛ نقش و نفوذ ایالات متحده در ترتیبات مرتبط برای حل و فصل بحران، ارائه طرح، مذاکرات و ... بیش از نقش و نفوذ اتحادیه اروپاست؛ و آمریکا ابتدا خواهان برخورد نظامی با دولت بشار اسد بود اما اتحادیه اروپا به دلیل مجاورت جغرافیایی با منطقه خاورمیانه و بحث مهاجران در تلاش بود حتی‌المقدور از حمله نظامی اجتناب کند. اما برخی سیاستمداران کشورهای اروپایی موافق حمله نظامی آمریکا به سوریه بودند که باعث پدید آمدن اختلاف‌نظرهای فراوانی در میان آنان شد.

به طور کلی مواضع کشورهای اروپایی برای حمله نظامی به سوریه متفاوت بود. برخی با اقدام نظامی آمریکا علیه سوریه موافق و برخی مخالف آن بودند. برخی نیز

مواضع دوگانه‌ای داشتند و علی‌رغم موافقت ضمنی با حمله نظامی، با انجام این حمله بدون مجوز سازمان ملل مخالفت می‌کردند. به طور کلی می‌توان گفت اختلافات میان آمریکا و کشورهای اروپایی در کاربرد گزینه نظامی علیه سوریه تا حدودی به تشدید اختلافات فرآتلانتیک کمک کرده است.

۱-۵. علل اختلاف مواضع در کاربرد گزینه نظامی علیه سوریه

علل اختلاف نظر و عدم همراهی متحدان اروپایی را با ایالات متحده می‌توان در دو سطح بررسی کرد:

الف) سطوح داخلی: برخی علل اختلاف مواضع آمریکا و کشورهای اروپایی در بحران سوریه و بحث حمله نظامی به این کشور در سطح داخلی جای می‌گیرد که می‌توان آن‌ها را در موارد ذیل برشمرد:

عدم همراهی پارلمان‌های کشورهای اروپایی با سیاست‌مداران جنگ‌طلب آن‌ها: یکی از دلایل اختلاف مواضع کشورها در بحث حمله نظامی به سوریه، عدم همراهی پارلمان‌های این کشورها با مواضع جنگ‌طلبانه‌ی سیاست‌مداران آن‌ها بوده است. برای مثال می‌توان به مواضع انگلیس در این زمینه اشاره کرد. دولت انگلیس از ابتدا همراهی خود را با سیاست‌های ایالات متحده حتی در مورد حمله نظامی احتمالی به سوریه اعلام کرده بود. دیوید کامرون، نخست‌وزیر این کشور، طرحی را برای حمله به سوریه به مجلس ارائه کرد اما علی‌رغم همراهی دولت انگلیس با سیاست‌های آمریکا، مجلس عوام این کشور به طرح دولت برای حمله رأی منفی داد. مجلس نمایندگان نیز با ۲۸۵ رأی مخالف در برابر ۲۷۲ رأی موافق با این طرح مخالفت کرد و پارلمان انگلیس در روز ۲۹ اوت ۲۰۱۳ (۷ شهریور) مخالفت خود را با مشارکت این کشور در حمله به سوریه اعلام کرد و این امر مانعی برای شرکت انگلیس در اقدام نظامی احتمالی ایالات متحده علیه دولت بشار اسد شد. اگرچه این تصور دور از ذهن نیست که دیوید کامرون نیز مانند اوباما، مسئولیت را به مجلس عوام واگذار کرد تا از ورود انگلیس به جنگ خودداری کند، اما به هر حال در مواضع رسمی، این مخالفت پارلمان بود که مانعی برای ورود به جنگ شد.

اختلافات حزبی در درون کشورهای اروپایی و رقابت‌های انتخاباتی آن‌ها: یکی دیگر از دلایل اختلاف مواضع کشورها در بحران سوریه در سطح داخلی، اختلافات حزبی درون برخی کشورهای اروپایی و رقابت‌های انتخاباتی آن‌ها عنوان می‌شود. برای مثال یکی از مهم‌ترین دلایل آلمان برای شرکت نکردن در مداخله نظامی، انتخابات داخلی این کشور عنوان شده است. این در حالی است که برلین یکی از حامیان اصلی

سیاست‌های واشنگتن به حساب می‌آید. دولت آنگلا مرکل، در ابتدا مواضع دوگانه‌ای نسبت به مشارکت نظامی در سوریه داشت. از یک طرف بر دادن پاسخی قاطع از سوی جامعه جهانی تأکید و از طرف دیگر اقدام نظامی را به تأیید سازمان ملل متحد موکول می‌کرد. در این راستا گیدو وستروله، وزیر امور خارجه آلمان، با حضور در یک نشست خبری در برلین گفت: استفاده از تسلیحات شیمیایی جنایت علیه بشریت است. اگر ثابت شود که این اتفاق در سوریه رخ داده، جامعه جهانی باید وارد عمل شود و آلمان نیز در کنار ایالات متحده آمریکا و متحدانش خواهان واکنش نسبت به آن خواهد شد (Euronews, 26 Aug 2013). همچنین اشتفان زایبرت سخنگوی دولت آلمان اعلام کرد که به اعتقاد دولت آلمان استفاده از سلاح شیمیایی نباید بی‌مجازات بماند و جامعه بین‌المللی باید با برخوردی روشن، پاسخ مشترکی در این رابطه بدهد. در عین حال دولت آلمان به اقدامات دیپلماتیک سازمان ملل متحد امیدوار است.

در این میان حزب سوسیال دموکرات آلمان موضع متفاوتی از دولت این کشور اتخاذ کرد. این حزب نه تنها با مشارکت آلمان در حمله به سوریه مخالف بود، بلکه چنین حمله‌ای را از اساس رد کرد. به طوری که پراشتاین بروک، نامزد این حزب، در انتخابات توسل به خشونت را همواره سبب به دنبال داشتن خشونت‌های تازه عنوان کرد و گفت: من معتقدم صد ساعت مذاکره بهتر از یک دقیقه شلیک است. حمله‌ی نظامی به سوریه مخالفت حزب سبزهای آلمان را نیز به همراه داشت. کاترین گورینگ اکهارد و یورگن تریتین، دو تن از رهبران این حزب، اظهار داشته‌اند: تا قبل از ارائه‌ی گزارش بازرسان تسلیحاتی سازمان ملل هیچ تصمیمی نباید گرفته شود، زیرا زیان واکنش نظامی بیش از سود آن است و مناقشه را طولانی‌تر خواهد کرد (دویچه وله، ۸ شهریور ۱۳۹۲).

آنگلا مرکل و حزب دموکرات مسیحی آلمان، علی‌رغم تعلق خاطری که به ایالات متحده آمریکا حس می‌کنند، به دلیل نزدیکی بودن به رقابت‌های انتخابات سراسری در آن برهه حساس، هرگونه حمایت برلین از جنگ‌افروزی در سوریه را به معنای از دست‌رفتن آرای حزب حاکم دموکرات مسیحی و پیروزی احزاب مخالف (سوسیال دموکرات‌ها و حزب سبز) تعبیر و در نتیجه از حضور در جنگ احتمالی با سوریه اجتناب کردند. از این‌رو آنگلا مرکل، صدر اعظم آلمان، در حاشیه‌ی اجلاس سران گروه ۲۰ در شهر سن‌پترزبورگ در ۱۴ شهریور، تأکید کرد: آلمان در هیچ‌گونه حمله احتمالی نظامی بر ضد سوریه مشارکت نمی‌کند و فقط در ارائه کمک‌های انسان‌دوستانه در بحران سوریه حضور خواهد داشت. وی با تأکید بر خاتمه جنگ، تنها راه‌حل مناقشه سوریه را

راهکارهای مسالمت‌آمیز عنوان کرد. بنابراین یکی از مهم‌ترین دلایل عدم همراهی آلمان با آمریکا در بحران سوریه را می‌توان نزدیک بودن موعد انتخابات در آلمان دانست.

مشکلات اقتصادی داخلی در برخی کشورهای اروپایی و به‌وجود آمدن بحث هجوم آوارگان به این کشورها: با توجه به بحران اقتصادی در برخی کشورهای اروپایی و به‌وجود آمدن بیداری اسلامی در کشورهای منطقه خاورمیانه و بحث مهاجرت بسیاری از آوارگان و مردم این منطقه به اروپا، یکی از دلایل اختلاف مواضع کشورهای اروپایی با آمریکا در حمله نظامی و مخالفت آن‌ها با این حمله، ترس آنان از افزایش مهاجرت به این کشورها با وجود بحران اقتصادی داخلی و در کشاکش آشفتگی‌های پس از جنگ تفسیر می‌شود. برای مثال می‌توان به ایتالیا اشاره کرد که در بحبوحه بحث‌های حمله نظامی به سوریه، انریکو لتا، نخست‌وزیر این کشور، مشارکت در اقدام نظامی علیه سوریه را به‌صورت مجوز از سوی شورای امنیت سازمان ملل مشروط کرد. رم نیز همانند دیگر کشورهای اروپایی بر ادعای استفاده از تسلیحات شیمیایی توسط دولت سوریه تأکید کرد، اما یکی از دلایل مخالفت خود با حمله را این مسئله عنوان کرد که حمله به سوریه مسئله آوارگان سوری را وخیم‌تر می‌کند و اتحادیه اروپا هنوز نتوانسته به راه‌حلی مناسب در این مورد دست بیابد (خبرگزاری ایسنا، ۱۲ شهریور ۱۳۹۲).

ب) سطوح خارجی: برخی علل اختلاف مواضع آمریکا و کشورهای اروپایی در بحث حمله نظامی به سوریه در سطح خارجی را می‌توان موارد ذیل عنوان کرد:

مخالفت برخی کشورها با حمله و تردید فرانسه: تنها کشور اروپایی حامی آمریکا در حمله نظامی به سوریه، فرانسه بود. با تأکید آلمان بر عدم مداخله نظامی در سوریه و مخالفت پارلمان انگلیس، آمریکا تنها می‌توانست روی پشتیبانی فرانسه حساب کند. زیرا رئیس‌جمهور فرانسه مجبور نبود برای صدور دستور حمله از پارلمان کسب اجازه کند. او باید تنها ظرف ۴ روز پارلمان را در جریان اقدامات خود و دلایل آن قرار می‌داد. از این‌رو دولت‌های آمریکا و فرانسه اقداماتی را جهت زمینه‌سازی انجام عملیات نظامی در سوریه به جریان انداخته و به تلاش برای قانع کردن افکار عمومی داخلی و بین‌المللی در مورد لزوم چنین عملیاتی دست زدند. در همین راستا ژان مارک ایرو، نخست‌وزیر فرانسه، در دوم سپتامبر ۲۰۱۳ (۱۱ شهریور) مدعی شد که اطلاعات طبقه‌بندی شده‌ای را در اختیار نمایندگان پارلمان فرانسه قرار داده است که نشان می‌دهد در حمله‌ای که در ۲۱ اوت در حومه دمشق رخ داد، دولت سوریه به‌طور گسترده‌ای از سلاح شیمیایی استفاده کرده و بی‌تردید دولت بشار اسد دستور این حمله مرگ‌بار را صادر کرده است (دویچه وله، ۱۲ شهریور ۱۳۹۲).

با وجود همه این اقدامات و موافقت اولیه فرانسه با حمله، فرانسوا اولاند رئیس‌جمهور فرانسه، برای اولین بار در روز ۶ سپتامبر ۲۰۱۳ (۱۵ شهریور) اعلام کرد برای تصمیم‌گیری در مورد مداخله نظامی منتظر گزارش سازمان ملل متحد خواهد شد. در واقع پس از اینکه اوباما بیان داشت که برای اقدام نظامی در صدد حمایت‌کننده است و دیگر کشورهای اروپایی نیز با این حمله مخالفت کردند، فرانسه نیز اعلام کرد به دنبال گزارش سازمان ملل است. در حالی که پیش از این، فرانسه به دلیل منافع استراتژیک و تاریخی خود در منطقه به‌صورتی پایدار و محکم از شورشیان سوریه حمایت می‌کرد و بدون این که تصریح کند چه کسی مسئول است، حمله شیمیایی صورت گرفته را محکوم می‌کرد و حامی اقدام نظامی آمریکا علیه سوریه بود. این کشور حتی گزارش سازمان ملل برای این حمله را نیز الزامی نمی‌دانست (Independent, 7 Sep 2013).

خستگی مردم و افکار عمومی آمریکا و اروپا از بیش از یک دهه جنگ:
 خستگی مردم آمریکا و اروپا از بیش از یک دهه درگیری و جنگ در افغانستان و عراق و تلفات و خسارات ناشی از آن و عدم دستیابی کشورهای شرکت‌کننده در آن جنگ‌ها به اهداف مورد نظر خود، اتخاذ سیاست‌های مناسب و یکسان میان ایالات متحده و اروپا را بسیار سخت و با چالش‌های متعددی روبرو کرده است (Friedman, ibid) به طوری که این مسئله در اتخاذ تصمیم برای حمله نظامی به سوریه نمایان شد و مخالفت برخی کشورهای اروپایی و حتی افکار عمومی مردم آمریکا را در پی داشت. در این میان حتی برخی تحلیل‌گران معتقدند یکی از علل مخالفت پارلمان انگلیس در برابر حمله نظامی به سوریه این بود که جنگ عراق افکار عمومی در انگلیس را در رابطه با هر اقدام نظامی در خاورمیانه تحت تأثیر قرار داده است و مردم و پارلمان این کشور به دلیل فقدان شواهد کافی مبنی بر مسئولیت دولت سوریه در مورد حمله شیمیایی و همچنین عدم مشروعیت جنگ، مخالف هر گونه حمله نظامی علیه سوریه بودند (Wolf, 2013).

نتیجه‌گیری

بررسی مواضع اتحادیه اروپا و ایالات متحده آمریکا به‌عنوان دو بازیگر مهم در نظام بین‌الملل نسبت به بحران و جنگ داخلی در سوریه نشان می‌دهد، با وجود شباهت‌های آنان به‌لحاظ مبانی فکری و سیاسی مکتب لیبرالیسم و دیدگاه‌های نسبتاً نزدیک‌شان در بسیاری از مسائل و موضوعات نظام بین‌الملل، اهمیت حوزه منافع شخصی از سوی هر دو بازیگر، موجب شده است تا دیدگاه‌ها و مواضع آن‌ها در برخی مسائل مهم جهانی دچار تضاد و تعارض شود. در عین حال هر دو طرف تلاش می‌کنند تا اختلافات میان خود را

از طرق دیپلماتیک حل و فصل کنند. ضمن این که باید به این نکته توجه کرد که اختلافاتی که پس از بحث حمله نظامی به سوریه پدید آمد (به طوری که بسیاری از تحلیل‌گران معتقد بودند در نتیجه‌ی این بحث، اختلافات فرآتلانتیک شدت گرفته است)، بیشتر ناظر بر راهبردها و تاکتیک‌ها بود و نه ماهیت مسئله. به عبارت دیگر تنها نگرش آن‌ها به بحران سوریه متفاوت بوده است.

در خصوص چشم‌انداز روابط فرآتلانتیک، برخی از تحلیل‌گران معتقدند که با وجود تعاملات میان ایالات متحده و اتحادیه اروپا و مزیت‌های بالقوه‌ی هماهنگی بیشتر میان آن‌ها درباره موضوعات منطقه‌ی خاورمیانه و شمال آفریقا، همکاری‌های پایدار بین دو سوی آتلانتیک با چالش‌های متعدد و جدی مواجه است. به نظر می‌رسد بحران منطقه یورو و چالش‌های سیاسی ناشی از آن، حداقل در کوتاه‌مدت مانع مهمی برای افزایش همگرایی کشورهای اروپایی با ایالات متحده باشد.

علاوه بر این، اتحادیه اروپا هنوز در تلاش برای ایجاد سیاست خارجی و امنیتی مشترک میان اعضای خود است که هرکدام اندیشه‌ها و منافع ملی متفاوتی دارند. این مسئله‌ی مهم خود مانعی برای همگرایی بیشتر اروپا و آمریکا است. مضاف بر این که توانایی دو بازیگر برای نفوذ و تأثیر در رویدادهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا محدود خواهد بود و در نهایت خود دولت‌ها و مردم منطقه تعیین‌کننده‌ی آینده‌شان هستند. همچنین مسائلی چون شنود مکالمات مقامات عالی‌رتبه و مردم در کشورهای اروپایی توسط سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا و موضوعات منطقه‌ای مانند مسائل مربوط به ایران، منازعه رژیم صهیونیستی در سرزمین‌های اشغالی و مسئله سوریه، موضوعاتی هستند که پتانسیل جلوگیری از تحقق همکاری‌های فرآتلانتیک گسترده‌تر میان آمریکا و اروپا در منطقه خاورمیانه را دارند.

اما به طور خاص در مورد بحران سوریه و تأثیر آن بر روابط فرآتلانتیک می‌توان گفت موضوعاتی نظیر رشد تروریسم و جریان‌های سلفی مسلح که امروز در سوریه نقش آفرینی می‌کنند، علاوه بر این که مایه‌ی نگرانی همه کشورهای همسایه‌ی سوریه و نیز دولت مرکزی شده است، موجبات نگرانی آمریکا، روسیه و اتحادیه اروپا را نیز فراهم کرده است. از این‌رو همه طرف‌های تأثیرگذار در سوریه، نسبت به رشد گروه‌های تروریستی چون داعش در سوریه نگرانند.

به طور کلی برای بررسی چشم‌انداز روابط آمریکا و اروپا در مورد بحران سوریه لازم است تحلیل خود را براساس روابط قدرت موجود میان آمریکا و اروپا و همچنین تحولاتی که در سیاست خارجی اروپا پس از جنگ سرد پدید آمده، ارائه کرد. لذا باتوجه

به همسویی اروپا با سیاست‌های ایالات متحده و نیز سلطه‌ای که آمریکا بر اقتصاد اروپا دارد، کشورهای اروپایی نسبت به سیاست‌های آمریکا مقاومت نمی‌کنند. بنابراین با وجود برخی اختلاف مواضع جدی که از سوی دو طرف در حل و فصل بحران سوریه وجود داشت، به دلیل سلطه هژمونیک آمریکا از یک سو و نزدیکی جغرافیایی اروپا به این منطقه از سوی دیگر، زمینه‌های همکاری فرآتلانتیکی میان اروپا و آمریکا در حل و فصل بحران به مراتب بیش از زمینه‌های واگرایی و اختلاف مواضع آن‌ها در این مورد است.

یادداشت‌ها

۱. برای اطلاعات بیشتر در خصوص توافق آمریکا و روسیه و مفاد آن به منبع زیر رجوع کنید:
U.S.-Russian Plan for Syrian Chemical Weapons, 14 September 2013,
<http://iipdigital.usembassy.gov/st/english/texttrans/2013/09/20130914282882.html>.

منابع

امیری، مهدی (۱۳۸۴)، ارزیابی مقایسه‌ای مواضع و دیدگاه‌های اتحادیه اروپا و آمریکا درباره موضوعات مهم جهانی، مجلس و پژوهش، سال ۱۲، شماره ۴۸.

پرستوی (۱۹ دی ۱۳۹۲)، حمایت آلمان از حضور ایران در نشست ژنو ۲ درباره سوریه.

پوراحمدی، حسین (۱۳۸۹)، همگرایی و واگرایی در روابط اتحادیه اروپا - آمریکا: موضوعات و زمینه‌ها، فصلنامه روابط خارجی، سال دوم، شماره ۵.

تسنیم (۲۲ دی ۱۳۹۲)، حضور هر کشور در ژنو ۲ منوط به موافقت با تشکیل دولت انتقالی است.

خبرگزاری ایسنا (۱۲ شهریور ۱۳۹۲)، عدم مشارکت ایتالیا در حمله به سوریه.

خبرگزاری ایسنا (۲۳ دی ۱۳۹۲)، شرط آمریکا برای حضور ایران در ژنو ۲.

دویچه وله (۱۲ شهریور ۱۳۹۲)، فرانسه: دولت سوریه مسئول حمله شیمیایی است.

دویچه وله (۸ شهریور ۱۳۹۲)، مخالفت دولت و احزاب آلمان با حمله به سوریه.

روزنامه جمهوری اسلامی (اول دی ۱۳۹۲)، اخضر ابراهیمی: آمریکا مانع شرکت ایران در ژنو ۲ است.

ساعی، احمد و خضری، رؤیا (۱۳۸۸)، اقتصاد سیاسی فرآتلانتیک: همکاری و تعارض از ۱۱ سپتامبر تا بحران اقتصادی ۲۰۰۸، فصلنامه سیاست، سال ۳۹، شماره ۲.

عصر ایران (۲۸ اردیبهشت ۱۳۹۲)، مخالفت فرانسه و سکوت آمریکا درباره حضور ایران در کنفرانس ژنو ۲.

کلبعلی، فرزاد (خرداد ۱۳۹۰)، سیاست خارجی آمریکا در خاورمیانه و جنبش‌های مردمی جدید، **گزارش راهبردی**، شماره ۳۶۷، مرکز تحقیقات استراتژیک.
نورعلی‌وند، یاسر و خلیل‌پور رکن‌آبادی، علی (۱۳۹۰)، چندجانبه‌گرایی و روابط فرآتلانتیک در افغانستان، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، شماره ۵۱.

Executive Order 13582 (August 17, 2011), Blocking Property of the Government of Syria and Prohibiting Certain Transactions With Respect to Syria, available at: http://www.treasury.gov/resource-center/sanctions/Programs/Documents/syria_eo_08182011.pdf.

Gordon, Philip (October 27, 2011), The Democratic Wave in the Arab World: Transatlantic Perspectives, **EU Washington Forum**.

Friedman, George (April 30, 2013), Redlines and the Problems of Intervention in Syria, Stratfor.

Council of the European Union (May 27, 2013), Council Declaration on Syria, available at:

http://www.consilium.europa.eu/uedocs/cms_Data/docs/pressdata/EN/foraff/137315.pdf.

Council of the European Union (4 June 2013), The European Union and Syria, available at:

http://www.consilium.europa.eu/uedocs/cms_data/docs/pressdata/EN/foraff/128379.pdf.

Archick, Kristin & Mix, Derek E. (June 12, 2013), The United States and Europe: Responding to Change in the Middle East and North Africa, **CRS Report for Congress**.

Reuters (Aug 21, 2013), EU wants immediate probe of alleged Syria chemical attack, available at:

<http://www.reuters.com/article/2013/08/21/us-syria-crisis-eu-idUSBRE97KON020130821>.

Stratfor (August 27, 2013), Syria: A Comprehensive Look at the Options for Intervention, available at: <http://www.stratfor.com/sample/analysis/syria-comprehensive-look-options-intervention>.

Kaplan, Robert D. (August 28, 2013), Syria and the Limits of Comparison, Stratfor.

Wolf, Joerg (August 31, 2013), Syria, Germany and the Europeanization of Great Britain, available at: <http://atlanticreview.org/archives/1574-Syria,-Germany-and-the-Europeanization-of-Great-Britain.html>.

Jeremy M. Sharp & Christopher M. Blanchard (September 6, 2013), Armed Conflict in Syria: Background and U.S. Response, available at: <http://www.fas.org/sgp/crs/mideast/RL33487.pdf>.

Independent (September 7, 2013), Syria crisis: European foreign ministers to urge John Kerry to delay US military action until UN weapons inspectors report back, available at: <http://www.independent.co.uk/news/world/europe/>.

Laub, Zachary and Masters, Jonathan (September 11, 2013), Syria's Crisis and the Global Response, Council on Foreign Relations.

Stratfor (Sep 12, 2013), Analytic Guidance: The Syria Crisis, available at: <http://www.stratfor.com/analysis/analytic-guidance-syria-crisis>.
Reuters (Sep 27, 2013), U.N. Security Council set to vote on Syria chemical arms resolution, , <http://www.reuters.com/article/2013/09/27/us-un-assembly-syria-idUSBRE98Q0Z820130927>.

